

## جریان نخستین جلد

ساعت هشت و پنجاه و پنج دقیقه بانه در روز رهنه هجدهم آبانماه هزار  
وسهصد و چهل و چهار، نخستین جلد دادگاه تجدید نظر شماره یک اداره  
داریس آرتش به ریاست سرلشکر صلاحی عمر و کارمندی سرهنگ  
گراامیان، سرهنگ منجم زاده، سرهنگ روستائیان، سرهنگ شهرتاش  
و دادستانی سرهنگ فروغ رسمیت یافت.

نخست صورت جلد و صادره های ۱۹۴ و ۱۹۵ قانون داریس و لیفر آرتش  
بوسیله منشی خوانده شد.

رئیس رئیس از دکلائی مدافع خوارک چنانچه نسبت به صلاحیت  
دادگاه و نقص پرونده در روزمان ایرادی دارند بگویند و تیمار با هم  
در کار سرهنگ بهره و در کار سرهنگ معتمد و کلان مدافع هر یک ملی  
ملخنان کوتاهی به عدم حضور هیئت منصفه در دادگاه ایراد گرفته و  
بعد دادستان با آنها یا منسخ داد.

رئیس رئیس به آقای فرود هر اجازه صحبت داد و اشیا هم ایراد  
فرد را به شرح زیر بیان نمود: « بنام خدا و بنام ایندگی ایران ... »

در دادگاه عمادی شماره دو آرتش به اندازه کافی پیرامون عدم  
صلاحیت دادگاههای آرتشی برای رسیدگی به بزه های سیاسی ملخنان  
گفته ام که یمن آن در پرونده ضبط است و امیدوارم مورد بررسی  
دقیق دادستان ارجمند قرار گیرد و اظهار نظرش به ای در باره

آن بنامه و انیک بطور خلاصه یاد آور میشود که بنا بر صریح اصل هفتاد و دومم  
قانون اساسی در تنازعات راجعه به حقوق سیاسییه مربوط بحاکم عدلیه است  
و نیز بموجب اصل هفتاد و نهم در مورد تصدیقات سیاسییه و مطبوعات هیئت  
منصفین در محاکم حاضر خواهند بود و بقرض پذیرش این ادعا که قانونها  
در ذره ای رسیدگی به پاره ای از جزای سیاسی را بطور استثنائی در  
صلاحیت دادگاههای نظامی قرار داده است لزوماً حضور هیئت  
منصفه در اینگونه دادگاهها بهیچوجه نمیتواند مورد تردید قرار گیرد زیرا اصل  
هفتاد و نهم متمم قانون اساسی اطلاق کامل دارد و شامل دادگاههای  
عمومی و اختصاصی هر دو است و در قانون دادرسی کیفری آرتش هم به  
مثلاً در این زمینه معنی وجود ندارد بلکه در ماده ۲۸۷ آن حکم به اجرائی  
مقررات قانون آیین دادرسی کیفری در برخورد با اشکالها مورد است  
پیش بینی نشده است.

اینکه گفته میشود در دیدگاههای آرتشی حضور هیئت منصفه را نشا  
نمیدهد نیز درست نمیباشد زیرا هرگز یک رویه غلط نمیتواند نقض کننده  
حکم صریح قانون باشد حتی اگر سایر آنها به آن عمل کرده باشند.  
از طرف دیگر در این دادگاه امری از علنی بودن به چشم نمیخورد  
دادگاهی را که در آن جز هیئت دادرسان و دادرسان و وکیل مدافع و  
متهم حضور نداشته باشد نمیتوان علنی خواند، حضور تماشاگر و

خبرنگار بابت کار بردارگاه علنی است.

در اینبار رئیس دارگاه صحبت آقای فردهر را قطع کرد و گفت

«متاسفانه باید خودش باید تا من راه دهم، میگویند بردار از خیابان

مردم را دستگیر کنم و بیاورم» آقای فردهر هم در پاسخ وی گفت «حتی

به بستگان هممان اجازه نزدیک شدن به جایگاه داری داده نمیشود،

تنها میگویند دارگاه علنی است رئیس دارگاه عادی همین را

گفت وی در عمل اثری از علنی بودن وجود ندارد است.

به حال از داریان در باب است از جمله دارگاه خواستار صدور قرار

۳۴ صلاحیت یا حداقل دعوت مهلت منصفی باشیم.

در مورد نقص پرونده و سرور زمان نیز در دارگاه عادی ایرادها

کردم که مورد نظر قرار نگرفت

در اینجا با استفاده از نوشته ای که در دارگاه عادی شماره در

آرشی خوانده شده بود در باره چند مورد نقص ایرادها بی عمل آمد

به حال چون پرونده ها از جهت های گوناگون نقص دارد در خواست

صدور قرار نقص و بازگشت دادن پرونده ها را به بازپرسی برای

تکمیل آنها دارم.

در ساعت نهمی دقیقه بدون آنکه آقایان نمازی و احمدی اجازه

صحبت داده شود مهلت داریان وارد نشود.

در ساعت ده شور پایان یافت و قرار صادر شده در باره صلاحیت دادگاه و ادانہ داری خوانده شد.

پس رئیس دادگاه از منشی خواست که حکم دادگاه عادی شماره دو اداره داری آرشی را بخواند.

پس از خواندن حکم رئیس دادگاه بترتیب از هر یک از متهمان پرسنهای نمود.

در این هنگام آقای فردرخواست در مورد بعضی از این پرسنها با تفصیل بینه کی صحبت کند و کی بوی اجازه داده شد.

بعد رئیس از دادستان خواست اسرارهای خود را به حکم صادر شده بیان نماید و ایشان در طی سخنان کوتاهی نسبت به حفت مجازات

متهمان ردیف دواد سوم و استاب بازداشتهای قبلی متهمان ردیف یکم و دوم اعتراض کرد.

پس بیتا رسام وکیل مدافع آقای فردرخواست را از خود را به حکم صادر شده بیان کرد و بعد هم سرکار سرکنگ بهره در وکیل مدافع آنرا فردرخواست نمازی شروع به صحبت نمود.

حلبه دادگاه در ساعت یازده و چهل و پنج دقیقه به عنوان تنفس پایان یافت و حلبه بعدی به روز چهارشنبه ساعت هفت و نیم

بامداد افتاد.

## جریان دومین جلسه

ساعت هشت و نیم بامداد روز چهارشنبه نوزدهم آبانماه هزار و سیصد و چهل و چهار دومین جلسه دادگاه تجدید نظر شماره یک اداره داری آرتش رحمت یافت.

پس از خواندن صورت جلسه بوسیله منشی سرکار سرهنگ بهره ور دنیاله صحبت خود را گرفت و بعد از اتمام سرکار سرهنگ معتقد به دنا<sup>ع</sup> برداشت. در ساعت نه و نیم دادستان به سخن آغاز کرد و به دنبال یاسنهایمی که بویکیلان مدافع دادگفت و اینکه تیار سالم گفته جوکلان چون رکیلی دادگتری است قسم خورده بملکت و شاه و فای ارباب<sup>ع</sup> صحبت ندارد، او صنی بکیا زنا<sup>ع</sup> اعلیحضرت را بزرده در این ادگاه<sup>ع</sup> بنیام<sup>ع</sup> خدا و ملت ایران شروع به صحبت کرد. این سازمان افکار دیگری دارد، دکیلا<sup>ع</sup> مدافع گفته زنا<sup>ع</sup> اعمال آنها بر اساس قوانین اساسی و اصول و موضوعه<sup>ع</sup> مملکت بوده است در صورتیکه اگر به تشریح بای این حزب توجه شود این حرف طبعینیت صورت جلسه ای که در دفتر کار<sup>ع</sup> ردف یک تهیه شده بنزد رکتف هلیجه نام حد آرک حفزه است، اگر به ذیل تشریح با توجه شود افکار پلید این سازمان روشن میگردد.

( در ایجاد دادستان بعضی از قسمتهای چند شماره از نشریه پیام دانشجو را که در باره دکتر صدوق و آیت الله خمینی نوشته شده بود خوانده<sup>ع</sup> آنگاه<sup>ع</sup> فروردین در میان صحبت و گفت اگر<sup>ع</sup> رخن<sup>ع</sup> این نشریه را خوانده شود

روشن میگردد که پس از دستگیری کی سن و سایر متهمان میباشند و در هر  
حال چه خوب و چه بد ربطی به جریان دادرسی کنونی ندارد

پس دادستان گفت «حزب ملت ایران در پیروی از افکار  
دکتر مصدق و جبهه ملی برخلاف قانون اساسی در رژیم سلطنت  
است و سر تک سفار ماده ۶۹ قانون مجازات عمومی شده است  
علیهذا بانا شکر کیفر خواست تقاضای مجازات مهین را دارم»

ساعت ده و یک چهارم تنفس داده شد و در ساعت ده و پنج دقیقه  
دادگاه بار دیگر رسمیت یافت.

نخست تیمار سالم و سپس سرکار سرهنگ بهره و در سرکار سرهنگ  
معتاد در در سلخنان دادستان و نیز بعنوان آخرین دفاع  
حکمت کردند.

حله دادگاه در ساعت یازده و نیم به عنوان تنفس تعطیل شد و  
حله بعدی به روز پنجشنبه بیست و نیم باشد از افتاد.

## جریان سومین جلسه

ساعت ده و ده دقیقه باید در روز پنجشنبه بیستم آبانماه هزار و سیصد و چهل  
و چهار سومین جلسه دادگاه بجهت رسیدن نظر شماره یک اداره داری آرش  
رسمت یافت.

پس از خواندن صورت جلسه بوسیله منشی رئیس خطاب به آقای  
زودرگفت در دیگر ادارستان دو کلاهی حد افغ حرفی ندارند اگر شما  
مطلبی دارید بگوئید.

در اینوقت آقای زودر شرح زیر شروع به صحبت کرد و چون در جریان  
داری فرصت نیافتم مطلبی را که برای دفاع از خود مفید میدانم  
در جای خود بیان نمایم تاگزیر همه آنها را یکجا همراه با آخرین دفاع  
میگویم و اگر اندکی در رسم رنجگی داشته باشد بپوزش میخواهم.  
پس از هر چیز لازم است یک استبانه را بر طرف کنم و آن اینست که  
پیرروز در پاسخ ریاست مجله دادگاه پیراجون اعتبار گزارشی  
کتابی مأثوران من گفتم این گزارشها تنها در جز ۲۲ ای مشهور دستیار  
اعتبار داشته باشد در حالیکه این نظر درست نبود و چنانچه در ریاست  
دادگاه گفته طبق ماده ۳۲۳ و ۳۲۴ قانون آئین داری که  
گزارش و بنا بطین عدله در امور خلائی و جنح اعتبار دارد و به ضمیمه سایر  
تحقیقات دادگاه میتوان نمود استناد قرار گیرد ولی بی شک همچنانکه  
گفته شد این گزارشها باید در زن گردد و بطور دقیق در شرازدی واقعیت

سنجیده شود و حسن طلی سلیمانان خورد نشان خواهم داد که بسیاری از این  
گزارشها خلاف واقع است.

اما در پاسخ صحبت برای دارسنان در جلسه پیر یروز باید بگویم اینکه  
گفته در برای ملت هم ردیف یکیم بی بایت از وقتیکه فعالیت اخیر خود  
را شروع کرد مدت محکومیت تعیین شود و باز داشتنهای قبلی نباید  
در این مورد محسوب گردد (۱۰) توجه دارسنان در بابت ارجمند دادگاه

را این نکته جلب میکنم که گفتار ایشان بهیچوجه با سایر انهای قانونی  
و قضائی سازگار نیست زیرا دارسنان ارجمند آرتش در مهلت  
پیش بینی شده در زیر برای دادگاه عادی شماره دو نوشته اند  
و نسبت به رای صادره از لحاظ متهمان ردیف دو و سوم بعلت

خفت مجازات اعتراض و نتیجتاً پرونده بمنظر رسیدگی به اعتراض  
طرفین به دادگاه بجهت نظر احاله شده به نیکونه دیده میشود و دارسنان  
آرتش که کلیه دادسنانهای دادگاههای آرتش بنام و از طرف  
ایشان ابراز عقیده نمینمایند در مورد این نسبت به هیچ قسمتی از رای

صادر شده اعتراض نکرده اند و اظهار نظر دارسنان ارجمند دادگاه  
کنونی هم چون خارج از مهلت داده شده در ماده ۲۱۸ قانون

دادرسی دکیفر آرتش انجام گرفته است بهیچوجه اعتبار قانونی ندارد.  
در ضمن به اطلاع میرساند اظهار نظر دارسنان ارجمند آرتش و عدم اعتراض



به حکم دادگاه بدوی با توجه باین بوده است که من در زیر آن نوشته ام  
« با اینکه با احتساب مدت بازداشت های قبلی مدت زندان من پایان یافته  
است از رای صادره درخواست تجدید نظر دارم، و این درخواست  
من نیز پیش از هر چیز از لحاظ کیفیت تبعی بود که حکم دادگاه عادی شماره  
دو آرتش برایم در برداشت.

بهر حال با توجه بنامه شماره ۷/۱/۹۰۷ - ۲۴/۱/۱۳ ریاست ارجمند دادگاه  
به ارستان آرتش اطمینان دارم که از این جهت جای ملاحظاتی برای  
دادستان دادگاه باقی نمی ماند.

اما در صورت اشاره ای که ریاست ارجمند دادگاه در سخنان پیرود ز خود نموده  
و این نتیجه را دانست که من با تکیه به احتساب بازداشت های قبلی و

پایان مدت زندان محکم است روش غیر صحیحی در دفاع از خود  
در پیش گیرم، باید بگویم من بدین امید به دادگاه تجدید نظر آمدم  
که این مرجع عالی را به حق گوئی خود قانع کنم تا رای دادگاه عادی  
را با دادگری کامل مورد بررسی قرار دهد و مرا از اتهامی نارد و او  
کیفری نابجا به در دارد.

اطمینان داشته باشید من نه از موضع قدرت و نه از موضع ضعف سخن  
مگویم، من در اینجا تنها در پناه راستی و قانون از وجه ان بیدار و شرف

سربازی هشتاد و سه ساله یاری میجویم.

(در اینجا آقای فروهر از روی برگهای پرورنده سبب بمیزان دخالت خود  
در نشر و بخش نشریه های قبلی حزب توضیح دادند).

اما درباره سخنان در روز دادستان ارجنده که با کمال تأسف به درازنی نظری  
و وظیفه قانونی بایسته کار هر دادستان بود بایه بگویم گذشته از پاسخی  
که دکیلان ارجنده ۲ به ایشان دادند، در مورد آنچه که راجع به کشف اسناد  
مضمره از دفتر من گفته مینگام رد اسنادهای رای دادگاه عادی  
در باره نادری بودن این ادعا سخن خواهم گفت.

در باره آنچه هم که با آنکه آب و تاب از روی نشریه های پیام دانشجو خواننده  
بمانظور که گوئید ذکر در ۲ تاریخ نشر هم آنها بعد از دستگیری من و سایر  
متهمان بوده است و نوشته های آن چه خوب و چه بد ربطی به نزه سبب  
داده شده من و سایر مهتمان ندارد و در حقیقت دادستان ارجنده بایست که  
آن خواسته بی دلیل بودن بیاناتشان را استوار کننده و مکرر همانطور  
که بارها در جریان <sup>اینجا</sup> دادری گفته شده نشریه های پیام دانشجو ارگان سازمان  
دانشجویان جهی ملی میباشند و هیچ ربطی به حزب مله ایران ندارد.

اما درباره نسبت پایان گفتارشان که بیان داشتند «آنچه مسلم است  
حزب مله ایران به پیروی از افکاری برخلاف قانون اساسی  
و رژیم سلطنتی باشد بایه بفرادت و به دراز بر گونه تیم را بعد و تنها  
بخاطر حقیقت بگویم حزب مله ایران خود را پاسدار قانون اساسی

و تمام آن میدانند و بطریق فضیلهای آن احترام میگردد.

حزب ملت ایران حقوق ملت و حقوق سلطنت که دو فصل تجزیه ناپذیر

قانون اساسی است یکجا و بی تم و کاست پاس میدارد.

گفته های دادستان دادگاه در این مورد سرایا افترا و حوررتکذیب

صریح من است دهنه من و نه حزب ملت ایران برخلاف قانون اساسی

گاهی بر نداشتن ایم و بجملی که بتوان آنرا با مفاد ماده ۹۹ قانون

کیفر عظامی انطباق داد دست زده ایم.

در این باره رئیس پرسیده آیا جبهه ملی هم همینطور است و آقای فروهر یا <sup>سخ</sup>

داد بلبه جبهه ملی هم خود را پاسدار قانون اساسی میدانند و اگر شخص

یاد شده ای در داخل جبهه ملی جز این بگوید و بکنه حوررتکذیب حزب

ملت ایران نیت.

«برای آنکه روشن شود رای شماره ۱۴۴ مورخه ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰»

شماره داد اداره دادرسی آرتشی که من به آن اعتراض نموده ام از چه

جهت بی وجه است مفاد آنرا قسمت به قسمت خوانده نادرست بودن

بیان عقیده هست دادرسان آن دادگاه را نشان میدهم.

در سمت تخت رای عین کوردس کا کیفرخواست نگذار شده ولی

به بیای جمله «چنین بنظر میرسد» جمله «چنین معلوم میگردد» بکار برده

شده است و بهایچه روشن نیت چه حدی در جریان دادرسی بدست

دادستان افتاده که آن چرخس، جای خود را به این یقین داده است  
در این باره رئیس گفت، شما قبول دارید که بزرگترین دلیل استنباط قاضی  
است، و آقای فروردین پاسبان دارد بلی همینطور است ولی بدون تردید یک  
قاضی تا دلیل و قرینه‌ای بدست نیاید (استنباطی برایش پیدا نمی‌شود)  
جالب اینکه بعد از جمله همین معلوم می‌گردد، نوشته شده است که  
لا اعلامیه برای مورد بحث نیاید، مورد مهم، ردیف یکم در ایستگاه فروردین  
منزل استیجاری مهم، ردیف سوم، سنجید احمدی با کمک مهم، ردیف دوم  
برای نمازی تهیه و توزیع گردیده است، در حالی که این نتیجه گیری  
سخت بی دلیل و برخلاف برگهای پرونده است زیرا نه تنها در متن  
متن اعلامیه برای مورد بحث که در اعلامیه است بلکه اکثر فرضی شود  
غرض نشریه و پیام دانشگاه می باشد باز نباید فراموش کرد که خود سادات  
در نامه شماره ۷۵۱۴/ب/۳۱۲ - ۲۷/۱۰/۴۰ در پاسخ به باز پرس شعبه  
هفت نوشته است که این نشریه در شهر پور ماه نخست نگردیده و از سوی  
دیگر برگهای پرونده نشان میدهد آقای احمدی در شهر پور ماه این  
خانه را اجاره کرده پس چگونه ممکن است نشریه‌ای که بزرگترین چاپ  
نخست نگردیده به دستوزن در منزل استیجاری آقای احمدی و بانک  
آقای برای نمازی تهیه و توزیع گردیده باشد.

دباز در این مورد یاد آور می‌شود ساواک <sup>در نامه شماره</sup> ۲۵۰۷۲/۳۱۲ - ۳۰/۹/۴۳

که طی آن از دارستانی خواسته است فرار باز داشت من صادر شود منویبه  
«چون طبق اطلاعات رسیده دو نفر از عناصر وابسته به حزب وی اندام  
به تهیه منزل و استقرار در دستگاه پستی مینظرند تهیه و نشر اوراق مضمره و خلاف  
مصالح مملکت نموده اند لذا دو نفر مذکور در تاریخ ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱  
درستگیر که از همکاران نسبت نامه روشن می شود طبق اطلاع رسیده به سادک  
مهمان ردیف دو و دو سوم از راه ۲۱ به تهیه منزل و استقرار پستی و مضمره  
«تهیه و نشر اوراق مضمره» را دانسته اند نه اینکه در واقع نشریه ای تهیه و  
توزیع شده باشد و پدیدانیت برای دادگاه عادی از کجا این یقین  
به دست آمده که در این منزل استیجاری و یا این دستگاه پستی  
با کمک آقای نمازی در به سوزن اطلاعیه ای تهیه و توزیع شده است  
در قسمت بعدی رای خنیا نوشته اند «با عنایت با اعتراف مرتجع هر سه نفر  
متهرب در محضه دادگاه مبنی بر اینکه مهمان ردیف ۲ و ۳ با محمد یگر خیان  
در رابطه همپانان ای دانسته اند که منوچهر احمدی کلید منزل خود را در اختیار  
بهرام نمازی گذارده است و با بررسی اظهارات مهمان ردیف دو و دو  
مورد مهمان ردیف یکم مبنی بر اینکه او یعنی بهرام نمازی به علت عفت  
در حزب ملت ایران علاقه شده و معنوی غیر قابل وصفی به دایره  
فردی دانسته در رژیم این ملائحت یک ارتباط دائمی و پیوستگی بین  
سه نفر برقرار بوده است» این ادعا نیز سلحت بی پایه است زیرا

گذشته از اینکه سخنان آقای نمازی و احمدی در همه مرحله های تحقیق  
حاکمی از یک دوستی شخصی بدون هیچگونه پیونده سیاسی میان آنها بوده  
است همانطور که من و آقای نمازی بارها گوشه زد کرده ایم دانشجو<sup>ان</sup>  
وابسته به حزب عدالت ایران از هنگام تجدید سازمان جنبه ملی ایران  
در سی تیرماه ۱۳۴۹ در اختیار سازمان دانشجویان این جنبه که یک  
کمیته خاص آنرا اداره میکند قرار داشته اند و در کارهای سیاسی  
روزه هیچگونه دستوری از هیچیک از کارگزاران حزبی نمیگرفته اند  
در مورد آقای نمازی ۱۴ استثنائی در میان نبود و من نیز هیچگاه  
در کارهای سازمان و کمیته دانشجویان جنبه ملی ایران دخالتی  
نداشتم اما دستورالتمه و توزیع نشریه ارگان این سازمان را  
یکسری بهم دادند. بنابراین عقیده اظهار شده در رای پیرامون اینها  
دائمی و بیستگانه میان ما نه به چه درستی نیست تا نتیجه آن چاپ  
ادراقی مفره موصوف و تلفخ گردد.

در سمت بعدی رای درباره آقای احمدی دانسته چگونه ما این یکی  
را به دست آورده اند و نیز درباره آقای نمازی و چگونگی دستگیری  
ایشان اظهار نظر شده است که کلیان ارجنده شان آن را رد کرده  
و بطور کلی درست یا درست بودن آن بمن ربطی ندارد.

در قسمت دیگر رای نوشته شده است و بجلاوه با بررسی لوایح دفاعی و  
اظهارات شفاهی متهمان ردیف دوم و مخصوص ردیف یکم در محضر  
دادگاه، معلوم میگردد در حال حاضر نیز متهم ردیف یکم در عقیده و  
ملک سابق خود که همان طرفنداری از نخت وزیر معزول و محکوم  
سابق باشد باقیم و برقرار بوده که در اینجایده میشود دادگاه  
بر خلاف همه چیز انهای قضائی عقیده و ملک بر ابرادری  
کنیه است و در باره آن داری کرده، باید پرسید در جای دنیا  
داشتن عقیده و ملک را جرم میدانند، آیا این عمل بر خلاف ماده  
علمیه هم و ماده نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیست؟

باقی بودن من در طرفنداری از نخت وزیر معزول و محکوم چرایی  
موضوع اتهام دارد و این طرفنداری بنا بر کدام یک از قانونهای  
کیفری جرم است که آزاد در رای گنجانده اند.

در قسمت بعدی رای نوشته اند در بالعکس با ذکر اقامی از عوانه از کی  
کشور یا دیگونی احداث کارخانه کود سیمیائی و سود و زیان این سوز  
دفع موجود کشور را که هر لحظه بصوب ترقی و تعالی پیش میرود و در  
جلوه گرفته و حقایق را غیر از آنچه که هست و انمود می نمایند در  
اینجا باید توجه دادستان در اینست از جمله دادگاه را با این حقیقت  
طلب کنم که در لایحه خواست بطور تلویحی گناه من مخالفت با دولت است

وقت جلوه داده شده است دادستان دادگاه عادی نیز همین ادعا  
را کردند و از جمله گفته «بالتوجه باینکه در وضع حاضر بزرگترین اعمال  
و آزادی ملت ایران که سالیان دراز شیفتگان آزادی و استقلال  
و ترقی مملکت را به انتظار نگاه داشته بود در حال تکمیل و با مصوب  
قرار داد پائی نظیر قرار داد ذوب آهن هر حرکتی در خلاف جهت آن  
پیچیدگی از هر ناحیه و بهر عنوان ظهور نماید خود دلیل مخالفت و مخالفت  
از اجرای برنامه ملی مترقیانه است» و در امر و در هیچ فرد وطن پرست  
ایرانی نمیتواند عنکر حقایق که در این کشور بصورت مزیجات روز  
افزودن در فرم های مدرن اجتماعی و نه در قوانین عام ۱۳۱۱ منقذ شده است  
گردد» و من تاگزیر گونه کوچکی از عمل های مبارزه خود و حزب است  
را یاد دلتهای وقت در درازده ساله گذشته بیان کردم و مخصوص است  
غلط اقتصادی این دولتها را با استناد از آمار نشریه های رسمی مورد  
بررسی قرار دادیم تا جای تردید در محله آن باقی نماند کسی نتواند بگوید  
«حقایق را وارد نه جلوه گر ساخته».

(در اینجا آقای فردی هم شتمی از آخرین دفاع خود در دادگاه عادی شماره  
دو آرش را که پیرامون کارخانه ذوب آهن و کارخانه کود سمیائی بود  
خواند و گفت اگر غرضی در میان نبود چرا بان کار را بشکستن گفته اند  
است اشاره نکرده اند در برای آنها از کار پائی که من گفته ام غلط است



یاد نموده اند، بعد هم بخشی از مقاله ای را که از عنوان «حقایق  
ادغام اقتصادی و اداری کشور» در شماره بیستم سال بیست و هشتم  
حقیقت نامه خواننده درج شده بود خوانند.

تعجب اینکه در این مورد در رای نوشته شده است «بفرض محال هرگاه  
قبول کنیم ادعای دی در بعضی موارد مفردن به حقیقت باشد ادلا این موضوع  
ارتباطی به جریان دادرسی انجمنی که در این دادگاه سرور دادرسی قرار  
گرفته ندارد» باید پرسید اگر براسی چنین است چرا اجازه دادند  
دادستان گرسی خود را وسیله تبلیغات برای دولت ها کنند، چرا  
بمن اجازه دادند موضوع بی ارتباط با تمام و غیر مفید برای روشن  
شدن حقیقت را طرح کنیم و از اینها گذشته چرا در رای خود که باید  
دارای جنبه قضائی محض و از لحاظ قانونی «موجوده مدلل باشد بدان  
استناد کرده اند.

در قسمت بعدی رای نوشته شده است «آنک برای هیئت داری  
دادگاه و مخصوصاً با بررسی اظهارات متهمین مخصوصاً متهمان ردیف یکم  
دعواً کاملاً سبیل دروسی گردیده که هر سه نفر همین حاضر بنحوی از انحاء  
در طبع و نشر اعلامیه های مغزیه که باعث تحریک از میان عمومی در تحریک  
مردم به اختلال نظم و اقتباس و آند امات حاد علیه دولتهای وقت  
دسه داشته اند» در اینجا باز باید باین موضوع برگردیم که که در ۱۴

و اعلامیه برای محضره، عنید انجمن کی باین پرسش من پاسخ داده خواهد شد  
که این اعلامیه هم در کجا و در دست چه کسی بوده است و چه ارتباطی  
با من یا سایر حضرات داشته است؟

از همه این اظهار نظر برای بدون دلیل و مدرک محسنت دادستان دادگاه  
عمادی شماره دو آرتشی یادداشت که نقض آشکار قانون را در بر  
دارد قسمتی از رای است که در آن نوشته شده است و بیک

مختصر توجه بمفاد اعلامیه ای که از طرف دبیرخانه حزب ملت ایران در

تاریخ ۳۰ مهر ماه جاری بعد از تشکیل جلسات دادرسی این دادگاه

منتظر گردیده است در برگ ۱۶۰ پیوسته مضبوط می باشد تجویز مشابه

مفاد اعلامیه جز بود را با اظهارات علمای در همین دادگاه میتوان

به رای الحین مشاهده نمود چگونه یک دادرسی مسترانه اعلامیه ای که

یکسال و اندکی بعد از دستگیری فردی داده شده است دلیل بر کناهی کار

دی به اندر در حکم به آن استناد کنه، اگر دادن این اعلامیه جرم

بوده است دادستان آرتشی وظیفه داشته صادر کننده گمان

آنها مورد تعقیب قرار دهد و اگر در امر تحقیق از آنها پرسش نه که من

در اتمیه و توزیع آن دست داشته ام باید برابر قانون برای این

جرم چه تعقیب میگردند اینکه آنها بدون اظهار نظر آنها برای بینه

کردن دادگاه و در دست بگیرد و قبیل از صد و در رای به دادگاه بفرستد.

کیرم دادستان این فلاف را انجام داد، همت دادستان چرا  
باید آن اسناد کند، در اینجا باید کوشش کنیم که همت دادستان  
دادگاه عادی شماره دو آرتش با اسناد باین اعلامیه آنهم  
بدون آنکه من یا وکیلان مدافعم از آن خبر داشته باشیم  
آشکارا ماده ۲۰۸ قانون دادرسی و کفر آرتشی و سایر جزای<sup>ی</sup>  
قضائی را نقض کرده اند.

در رای دادگاه عادی پس نوشته شده است «بالتوجه به اربک و اعلا<sup>ی</sup>  
مضره ای که دفتر کار منم ردیف یکم و از منزل استیجاری منم ردیف  
سوم به دست آمده» در حالی که صورت جلب تنظیم شده نشان میدهد  
در دفتر من هیچگونه اعلامیه یا خبری که بتوان بآن صفت پیافره<sup>ی</sup> داد  
و چونده داشته است و در میان مدرکها و کتابها منم که از منزل آقای اچری  
به دست آمده هیچگونه اعلامیه یا کتابی که نشان بکنی ایشان با حزب  
ملت ایران باشد پیدا نشده.

در رای پس بهر خلاصه گزارشات صاف زمان اطلاعات و امنیت  
کنور شماره شده است در حالی که من با ارفلاف بودن این  
گزارشها را در جریان بازرسی و دادرسی روشن کرده ام.

در انجام در رای دادگاه عادی نوشته شده است «با عنایت پسر  
دلائل و فراش موجود در پرونده بهره انتسابی (انته ۳۱) بر ضد امنیت داخلی

حکمت و ماده اسنادی دادستان را در کفر خواست (صحت احقر  
ماده ۹۹ قانون مجازات عمومی) بر سه نفر مأمورین ثابت و وارردانته  
(در اینجا آقای فروردی با استفاده از متن دفاع خود در دادگاه عالی  
در پیرامون نادرست بودن این نتیجه گیری که در رای شده توضیح  
کافی داد و پس از رئیس دادگاه خواست تنفس دهه ز بر بعلت  
گرفتگی گلو نمیتوانند به دفاع ادامه دهند)

این جمله در ساعت یازده و بیست دقیقه بعنوان پایزده دقیقه <sup>تعطیل</sup> تنفس  
گرفته ولی دیگر تشکیل نشد و جمله بعدی بر روز شنبه ساعت هفت و نیم  
بامداد افتاد.

## جریان چهارمین جلسه

ساعت هشت و نیم بامداد روز شنبه بیت و دوام آباغاه هزار و سیصد و  
چهل و چهار، چهارمین جلسه دادگاه تجدید نظر شماره یک اداره داری  
آرشی رسمیت یافت.

پس از خواندن صورت جلسه بوسیله منشی آقای فروردینباده  
آخرین دفاعات را گرفت و پس از شری که پیراجون حکونگی پرزده  
سازی ساداک داد با ذکر خنده جمله در باره مبارزه گذشته خود  
و هدف حزب ملت ایران در سامت نه به سخنانش پایان داد  
در این هنگام آقای نمازی به آخرین دفاع پرداخت و بعد  
هم آقای احمدی در خنده جمله از خود دفاع کرد.

در ساعت نه و پنجاه دقیقه هیئت دادرسان وارد تدرسه شدند در  
ساعت دوازده و ده دقیقه سورا آنها پایان یافت و بار دیگر جلسه  
دادگاه در اطاق رئیس تشکیل شد و در حالیکه دادرسان و دادستان  
و منتهان و یک استوار نهبان ایستاده بودند رای دادگاه خوانده  
شد.

در این جلسه و در هنگام خواندن رای وکیلان به دفع حضور  
نداشتند.



سه ارک مفهومی دیگر میگردند مقارن این احوال مهم ردیف دوم  
در اتمام نمازی که قصه در مورد بنزل خورد بخت را داشته بود پس با توجه  
درستگیر در ضمن حقیقات معموله مدعی داشتن آشنائی ساده یا منوچهر احمدی  
شده و از وجود ایشان پوی کپی در منزل استیجاری منوچهر احمدی اظهار  
بی اطلاعی مینماید ولی با مراجعه به اسوابق نامی برده و تحقیقات معموله  
و اعتراف صریح وی به عضویت در حزب ملت ایران چنین بنظر  
میرسد که اعلامیه ای مورد بخت بنامه سوز دار بوش فردهر (رهبر  
حزب ملت ایران بر بنیاد بیان ایرانیم) که در دوره حکومت دکتر  
محمد مصدق صادر گردید فعالیت داشته و پس از قیام ملی  
۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نیز همچنان به فعالیتهای مفهومی خود ادامه  
داده که همین علت چندین بار از طرف فرمانداری نظامی سابق تهران  
بازداشت شده است با کمک به اتمام نمازی در منزل استیجاری  
احمدی تهیه و توزیع گردیده است علیه اهمیت ردیف یکم (رایوش  
فردهر) نیز درستگیر در مورد بازجویی فرار گرفته و پیرونده مشتعل پس از  
احاله به اداره دادرسی آرسنی و ارجاع به بازرسی نظامی منجر به صدور  
فرار بجرمیت هر سه نفر مهمترین مورد بخت میگردد.

گرچه مهمترین موارد اتهامی را تکذیب نموده و اضافه کرده اند هیچگونه  
عللی که برابر قوانین کیفری جنبه یا جنایت بر ضد امنیت داخلی مملکت باشد

انجام نهاده اند و بی بالتوجه به سوابق و فعالیت مفتره ایله کمرار اباست  
درگیری آنها گردیده بنا به لائیل مندرج در کفرخواست آنها ۲۱ انتسابی  
به نامبر دگان محرز و مسلم میباشد و در عمل نباشی از آنان منطبق است  
با قسمت اخیر ماده ۶۹ قانون مجازات عمومی که با استناد ماده فوق  
تقاضای کفر متهمین را نخورده است پرونده امر جهت رسیدگیهای لازم  
به دادگاه عادی شماره ۶۰ داداره دارسی آرشی احاله دادگاه مذکور  
لین از انجام تشریفات لازم در رسیدگیهای معموله بزه انتسابی (ماده ۲۱  
بعضی است) را خارج عملکت) و ماده استنادی دادستان را در کفرخواست  
بهره نفع متهمین ثابت و وارردانسته و هیئت دادرسان به اتفاق  
آراء برابر رای شماره ۱۴۴ مورخ ۲۵/۷/۴۴ صادره مقرر ردیف یکم  
دارلوسی فرزند صادق شهرت فرد هر را به سه سال حبس ناپیی با  
احساب مدت بازداشتهای قبلی و مقرر ردیف دوم برابر فرزند عبدالعزیز  
شهرت نمازی را به پانزده ماه حبس ناپیی با احتساب مدت بازداشتهای  
قبلی و مقرر ردیف سوم شهرت فرزند ابراهیم شهرت احمدی را به یک سال حبس  
ناپیی با احتساب مدت بازداشت قبلی محکوم و ضمناً طبق ماده ۱۷  
قانون داری و کفر آرشی باستی متهمین پایی کی ضبط و مدارک مفتره  
مکتوفه معدوم گردد.

رای مذکور در مورد اعتراض متهمین واقع و دادستان آرشی از حیظ



مقام ردیف دوم به علت خفت مجازات اعتراض و پرونده از  
جیت رسیدگی به اعتراض محکومین و داررسان ارتش در مورد همان  
ردیف ۲۲ طی شماره ۷۱۴۰۵/۳۳۲۵۶/۱۱/۷ مورخ ۲۴/۱/۲۴ شماره  
از اداره دادرسی ارتش باین دادگاه ارجاع این دادگاه پس از انجام  
تشریفات قانونی در رسیدگیهای لازم و تشکیل جلسه حقه ماتی و جلبه دادرسی  
و استماع بیانات داررسان و دفاعیات و کلامی مدافع و همچنین  
ختم جلبه دادرسی توسط ریاست دادگاه اعلام هیئت داررسان در  
غیاب اطفال دعوی بسور برداشته و با اجرای تشریفات ماده ۲۰۹  
قانون دادرسی و کیف ارتش بسرح زیر میادرت به صدر رای منتهی  
رای شماره ۹۰ مورخ ۲۴/۱/۲۴ دادگاه بجهت نظر شماره یک اداره  
دادرسی ارتش

هیئت داررسان دادگاه بجهت نظر شماره یک اداره دادرسی ارتش  
بابطال احکام درجات پرونده و توجه به چگونگی موضوع و در نظر گرفتن  
مقام ردیف ابانیکه عضو شورای مرکزی جبهه ملی و فرد هیئت اجرایی  
بوده و کارهای اجرایی جبهه سید کور را بعهده داشته و در وقت که آزادی  
داشته و سالی در رشت کادر دافراد حزبی فرار شده اده در نشریه های  
که منتشر می شده مسئولیت داشته است (برگهای ۲۴ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴) و  
همچنین منهم اعتراف دارد که ارسال نشریه های حزبی بواسطه نگاه حزب

در خارج از کشور با اطلاع بوده و تلوویحاً خود را به کاره معرفی نموده است  
و نیز اعتراف نموده است، نامه فرامرز نامی از خارج کشور مندرج در برگ  
۱۳ و ۱۴ که از دفتر کار مأمور کشف گردیده حاکی است که پیام دانشجویان از مأمور  
جهت تکثیر و نشر در خارج از کشور خواستار گردیده که برایش فرستاده  
شده است که این موضوع فعالیت برای مضمونه مأمور را در مورد تکثیر و نشر  
پیام دانشجویان محزبی آشکار و مبهم می‌سازد و با توجه به نظریه ساداک  
در برگهای ۵۰ تا ۶۱ که ضمن اعلام سوایق قبلی مأمور می‌نویسد مأمور  
بر وقت آزاد شده به فعالیت برای مضمونه خود ادامه داده و بین  
دانشجویان فعالیت رزیرکی داشته و در نظر دانشه است مانند حزب  
توده گارد ضربت تشکیل دهد و برای پذیرفتن مقاصد جنبش ملی  
مانند فدا بیان اسلام اندام به ترور در جال مؤثر کشور بنمایند و نشریه‌ها  
مضمونه را بطور مخفی با کمک ایدی خود و پنجه منوچهر احمدی در بهرام‌آباد  
نشر و موجب تحریک و تحریب روحیه دانشجویان شده است و این چنین  
بخوزه دشمنی مأمور در دفع ۲ و پیدایش ماسین پای یکی در منزل  
مأمور در دفع ۱ و سوایق قبلی مضمون در دفعهای یکم و دوم رای  
شماره ۱۴۴ مورخ ۲۵/۷/۴۴ دادگاه عمادی شماره دو اداره  
دادرسی آرشیوی را که برابر آن مضمون در دفع یکم غیر نظامی دارایی  
فرزند صادق سهرت فروری به نام امده ام بر ضد امنیت داخلی

مملکت و بارشناد ماده ۶۹ قانون مجازات عمومی بدست رسال حبس  
 عادی و متهم ردیف دوم غیر نظامی بهرام مرزنده عبده الحمد شهرت نمازی به  
 مدت پانزده ماه حبس تأدیبی و متهم ردیف سوم سزای سزای سزای سزای سزای سزای  
 بدست کمال حبس تأدیبی محکومیت حاصل نموده اند از نظر میزان  
 کیفر به اتفاق آراء سوجه و مدلل دانسته آزانائیه حتمیاید لیکن جمله (بالتا  
 باز داشت های قبلی) که در رای مذکور انشاء شده است با در نظر گرفتن  
 اینکه باز داشت های قبلی منتهین ردیفهای یکم و دوم ارتباطی به بزه اخیر آنها  
 نداشته جمله مذکور به جمله (از تاریخ بدو باز داشت) تصحیح و تبیین میگردد  
 (منتهین ردیفهای یکم و دوم از تاریخ ۳۰/۶/۴۲ و متهم ردیف سوم از تاریخ  
 ۴۲/۶/۳۹ برابر کتیز خواست صادره باز داشت نگردیده اند).

این رای در محضر دادگاه با حضور اصحاب دعوی فرانت و ابلاغ گردید که  
 در ظرف مدت ده روز حق تقاضای رای صادره فرجامخواهی نمایند، ضمناً  
 ماشین پلی کی مکسونه از منزل متهم ردیف سوم بایه ضبط و مدارک مفقود  
 به دست آمده معدوم گردید.

رئیس دادگاه سرلتر نصرالله صلاحی عرب

دادستان:

- |                                |                                 |
|--------------------------------|---------------------------------|
| ۱- سرهنگ رشاد فضل الله گرامیان | ۲- سرهنگ سوار مجید بلخچیان زاده |
| ۳- سرهنگ مختارات نعمت زاده     | ۴- سرهنگ مختارات حسن محمدنالی   |